

کتاب‌های علمی - اطلاعاتی را تعریف کنیم

دومین نشست نقد کتاب‌های علمی - آموزشی



چرا که به گفته پائلو فریره، آموزش و پرورش، به شمشیر دو دمی می‌ماند که هم می‌تواند آزادی بخش، آگاهی‌دهنده و اندیشه‌ساز باشد. (یعنی آموزش و پرورش مبتنی بر علم و تجربه) و هم سستی‌آور و خاموش‌کننده. (یعنی آموزش و پرورش که بر سنت و محفوظات تکیه دارد و دست تقدیر بر آن حکم می‌کند). دومین گروه که در محدوده این دایره کوچک جای می‌گیرد، کتاب‌های کمک آموزشی و کمک درسی است. این کتاب‌ها با تغذیه از کتاب‌های درسی تدوین می‌شوند و هدفشان تسهیل امر یادگیری است. مفاهیم و مطالب دشوار کتاب‌های درسی، در این کتاب‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. یعنی با درشت‌نمایی و نگاه همه‌جانبه به یک مسئله، موضوع، یک برش و یا مفهوم و ارائه شیوه‌ها و تمرین‌های متنوع و آزمایش‌های گوناگون به یادگیری کودک کمک می‌رساند. این کتاب‌ها گرچه می‌توانند در قالب داستان و غیره داستان ارائه شوند، هدف آموزشی مستقیم دارند و یک بار مصرف هستند.

نوجوانان به بازار می‌آید، همان طور که در جلسه گذشته اشاره‌ای کردم، در چهار گروه قرار می‌دهیم. نخستین گروه که در محدوده‌ای کوچک جامی‌گیرد، کتاب‌های درسی است. این کتاب‌ها براساس سیاست‌گذاری‌ها و ضوابط و اهداف آموزش و پرورش رسمی کشور شکل می‌گیرند و تنها مجموعه‌ای است که توسط معلم بر دانش‌آموز تحمیل می‌شود. دانش‌آموز ناگزیر است برای رفتن به کلاس بالاتر، خواه ناخواه این کتاب‌ها را بخواند. چرا که در چارچوب یک برنامه مدون و زمان‌بندی شده حرکت می‌کند و کودکان موظف هستند آنها را بخوانند تا این که اطلاعاتشان مورد ارزیابی قرار بگیرد. در واقع، کتاب درسی، هم مورد اتکای معلم است و هم مورد اتکای دانش‌آموز. هدف کتاب‌های درسی، آموزش مستقیم است. این کتاب‌ها یک بار مصرف هستند و کیفیت این آثار، به ارزش جایگاه کودک و نوجوان در جامعه و نظام آموزش و پرورش که بر آن جامعه حاکم است، بستگی دارد.

حجوانی: باتشکر از حضور دوستان، طبق قرار قبلی، این جلسه را با صحبت‌های خانم راعی، در مورد کتاب‌های علمی شروع می‌کنیم. راعی: من در آغاز، به مناسبت هفته کتاب و گرامی‌داشت کتاب، فکر کردم با شعار روز جهانی کتاب کودک سال ۲۰۰۲ صحبت را شروع کنم: کتاب به کتاب تا اوج آسمان‌ها. از من خواسته شده بود که در باب کتاب‌های علمی صحبت کنم، ولی برداشتم از اولین نشست نقد کتاب‌های علمی - آموزشی، مرا به این سو برد که موضوع صحبت را یک مقدار تعدیل بکنم. بنابراین، موضوع صحبت، به کتاب‌های کودکان و نوجوانان و جایگاه کتاب‌های علمی - اطلاعاتی در میان آنها اختصاص دارد. چون اگر به این مقوله نپردازیم، جایگاه کتاب‌های علمی - اطلاعاتی را نمی‌توانیم خوب تشخیص بدهیم و نیز از درک رابطه آن با کتاب‌های دیگر و ضرورت حضورش عاجز می‌مانیم. مجموعه کتاب‌هایی را که برای کودکان و



منصوره رازی:
از انواع ادبیات کودک،
ادبیات اطلاعاتی است
که از آن نام بردیم.
ضمن این که
ادبیات اطلاعاتی هم می تواند
هویت داستانی داشته باشد.
این فعالیت ها را
نورتون به
هشت مقوله مشاهده، مقایسه،
طبقه بندی، فرضیه سازی،
سازمان دهی، جمع بندی،
بهره گیری و ارزشیابی
و انتقاد تقسیم می کند
و بدیهی است که
تکوین این ویژگی ها
به کمک کتاب های اطلاعاتی،
به خصوص از نوع علمی آن،
مؤثرتر اتفاق می افتد
و اندیشه سازتر خواهد بود

کیفیت آنها نیز هم سو با کتاب های درسی و آموزش و پرورش رسمی است. مثلاً در کشور ما که اوج موفقیت، قبولی در کنکور است و یادگیری با تأکید بر محفوظات صورت می گیرد، بیشتر این کتاب ها از هدف خودشان فاصله گرفتند و با رشد قارچ گونه شان، به ارائه پاسخ هایی به عناوین مختلف بسنده کردند. این کتاب ها کمترین نقشی در شکوفایی استعداد های ذهنی کودکان و نوجوانان ما ایفا نمی کنند. در هر حال، این دو گروه در طبقه بندی کتاب های کودکان و نوجوانان که هدف ما از این بحث است، جای نمی گیرند و پرداختن به آنها و نقد و بررسی روش مندشان، موقعیت متفاوتی طلب می کند. گروه سوم که بر دو دایره پیشین محاط است، تحت عنوان خواندنی ها می گنجد. من اصطلاح ادبیات تعلیمی را هم برای این مجموعه به کار می برم. خواندنی ها به نوشته ها و کتاب هایی اطلاق می شود که نویسنده یا پدیدآورنده، در آنها از هدف خاص آموزشی و دادن آگاهی های ویژه پیروی می کند.

طرح مطلب را از پیش در ذهن می پروراند، همه جوانب را در جهت هدف از پیش تعیین شده سبک سنگین می کند و به آن رنگ و پرداخت ویژه و مناسب با هدف می دهد. اگر داستان باشد، شخصیت ها متناسب با هدف، تغییر و تحول پیدا می کنند. نتیجه مستقیم و پایانی آنها نیز البته نه مثل کتاب های درسی و کمک درسی، ولی همراه با پند و اندرز است و اگر غیر از داستان باشد، می تواند سؤال، تمرین، بازی های علمی و فکری هم در آن ارائه شود. گروه چهارم که در هیچ دایره ای نمی گنجد و محدود نمی شود، ادبیات است.

ادبیات به نوشته ها و کتاب هایی اطلاق می شود که نویسنده در آنها، از خودجوشی درونی و نیاز به درمیان گذاشتن تجربه ای، برداشتی و یا حقیقتی با خوانندگان کودک و نوجوان پیروی می کند. اگر هدفی داشته باشد، در خود اثر مستتر است و از پیش ساخته شده نیست. طبیعت، زندگی و تحول منطقی شخصیت ها، نویسنده را هدایت می کند. نویسنده به آنها حکم نمی کند و بنابر نیاز خودش این عوامل را تغییر نمی دهد. بیشتر تابع شناخت دقیق خود از ماهیت زندگی و عواطف و اندیشه شخصیت های اثر خود است. چنین اثری، برخلاف دسته های قبلی، همواره نو و بکر است و نتیجه گیری مستقیم، پند و اندرز در آن جا ندارد. پیام آن سازنده احساس و اندیشه کودک و نوجوان است. اگر غیرداستان و اطلاعاتی باشد، آگاهی های آن تابع واقعیت است و به دلخواه نویسنده نمی تواند پس و پیش شود. با این همه، فقط زمانی به عنوان یک اثر ادبی برای کودک و نوجوان شناخته می شود، که هنرمندانه تنظیم شده باشد و عنصر تخیل، آن را جذاب و تأثیرگذار کرده باشد.

چنین اثری، ضرورتاً زبان و بیانی رسا، گیرا،

زیبا و دلنشین و مناسب دارد. آثار ادبی، یک بار مصرف نیستند و برخلاف سه دسته پیشین که محدود و یک بار مصرفند و در سطر حرکت می کنند، حرکت در عمق دارند.

دلیلش چندلا یه بودن این آثار است. خواندنی ها و ادبیات، در انواع گوناگون شان، مجموعه کتاب های کودکان و نوجوانان را تشکیل می دهند. خواندن این دو مجموعه، برای کودکان و نوجوانان، حالت وظیفه ندارد و از برنامه مدونی پیروی نمی کند، بلکه کودکان و نوجوانان آنها را آزادانه انتخاب و بنابر حس کنجکاوی، گذران اوقات فراغت و بازی آزادانه خیال و بسیاری دلایل دیگر مطالعه می کنند. بدیهی است که کودکان و نوجوانان، برحسب انگیزه و نیاز و شرایط محیطی و آموزشی، هم به خواندنی ها و هم به ادبیات نیاز دارند و مراجعه می کنند. وقتی از خواندنی ها و ادبیات صحبت می کنیم، مقصود آثاری با کیفیت مناسب کودک و نوجوان و درخور اوست و با ویژگی ها و نیازها و توانایی های کودک همسویی دارد. از این رو، مجموعه کتاب های کودکان و نوجوانان را که به صورت تألیف و ترجمه به بازار می آیند، از نظر کیفی و کمی، در هرم ارزشی قرار می دهیم. پس ما مجموعه کتاب هایی را که به بازار می آید، از کتاب های درسی و کمک آموزشی، در هرم ارزشی قرار می دهیم. البته، چنین آثاری اندک شمار است و کمیت بالایی ندارد. حکم مروراید را دارد که در رأس هرم ارزشی قرار می گیرد.

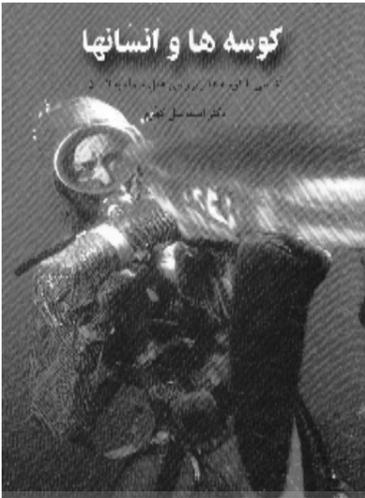
ادبیات، به لحاظ ویژگی ساختاری، جوهره هنری و کارکرد آن، یعنی تأثیرگذاری عاطفی و تقویت حس زیبایی شناسی، از لحاظ کیفی متعالی، بدیع و ماندگار است و از لحاظ کمی اندک. آثار ادبی، از حداقل محدودیت سنی برخوردارند و نه تنها برای کودکان و نوجوانان که برای بزرگسالان، در تمامی مراحل عمر و در تمامی اعصار و دوران، همواره حرفی برای گفتن و شگفتی آفرینی دارند. آثار ادبی برجسته، هرگز کهنه نمی شوند. میانه هرم ارزشی، به خواندنی های ادبیات تعلیمی اختصاص دارد. هم چنان که اشاره شد، این آثار هدفی از پیش تعیین شده دارند و به گونه ای نتیجه گیری می انجامند. به نیازی خاص، در شرایطی معین پاسخ می گویند. برای شکل دادن آنها پیروی از ضوابط و توانایی هایی کفایت می کند و نیاز به جوهره و جوشش درونی و خلاقیت بالا ندارند. مخاطبین این آثار محدود و مشخص هستند. ادبیات تعلیمی هم یک بار مصرف است و کارکرد ماندگار ندارد. و اما شبه ادبیات که بیشترین بخش هرم ارزشی را به خودش اختصاص می دهد، آثاری است عاری از کیفیت، اشاعه دهنده افکار مبتذل، مضر و بدآموز که پدیدآورندگان آنها فارغ از شناخت مخاطب، با دست کم گرفتن او، در پی نام

و نان، به تدوینش دست می‌زنند. از طرفی، معمولاً از نظر صحت اطلاعات و به روز بودن و نیز به لحاظ شیوه ارائه، مشکلاتی دارند که در واقع، جایگاه کتاب را مختوش می‌کنند و در هیچ یک از دو قسمت بالا جای نمی‌گیرند.

گفتنی است که کتاب‌های کودکان و نوجوانان را بزرگسالان تدوین، تصویر، ترجمه و منتشر می‌کنند و حتی کتابداران بزرگسال، آنها را برای کتابخانه‌ها برمی‌گزینند. من انواع کتاب‌های کودکان را در دو بخش داستان و غیرداستان دیدم در بخش داستان، افسانه، شامل افسانه کهن و افسانه نو و داستان واقعی را می‌گذارم. در مورد غیر داستان یک شاخه به شعر اختصاص پیدا می‌کند که ساختارش متفاوت است. البته، شعر خودش شامل دو بخش است؛ شعر و داستان منظوم. منظوم را در انواع داستان جای می‌دهم. شاخه دیگر غیرداستان، کتاب‌های اطلاعاتی است که شامل کتاب‌های دینی، دانش اجتماعی، علمی، زندگی نامه، هنر، بازی و سرگرمی و کتابهای مرجع می‌شود. در این دسته‌بندی‌ها، مجموعه کتاب‌های کودکان و نوجوانان، غیر از کتاب‌های درسی و کمک درسی جای دارد. انواع کتاب‌های کودکان و نوجوانان، به لحاظ ویژگی کیفی و یا توجه به ملاک‌های کلی ارزش‌یابی، یعنی کیفیت محتوا، ساختار و تصویر و شیوه ارائه، جایی از هرم ارزشی را به خودشان اختصاص می‌دهند. این کتاب‌ها می‌توانند تصویری باشند و یا بدون تصویر ارائه شوند.

بیشتر صاحب نظران کتاب‌های کودکان، کتاب‌های تصویری را شاخه‌ای جدا می‌دانند، ولی چون کتاب تصویری در همه این انواع وجود دارد، بنابراین به عنوان کتاب تصویری از آن یاد می‌کنیم، بدون این که در این مجموعه، شاخه جداگانه‌ای به آن اختصاص بدهیم. هرچند تعریف خاص و کارکرد خودش را دارد. درست است که در این بحث، تکیه ما بر کتاب‌های علمی - اطلاعاتی است، ناگزیر بودم برای مشخص کردن جایگاه این کتاب‌ها، به این مقدمه طولانی استناد کنم.

پس ما با کتاب‌های علمی - اطلاعاتی به عنوان زیر مجموعه کتاب‌های اطلاعاتی آشنا شدیم. کتابهای اطلاعاتی، آثاری هستند که کودک و نوجوان را مستقیماً با زمینه‌های مختلف دانش و مهارت‌های بشری آشنا می‌کنند. هدف این آثار، این است که به کودک و نوجوان، شناختی علمی از خود و جهان پیرامون بدهند و روابط علت و معلولی را برای او روشن کنند تا بتواند خودش را برای تجزیه و تحلیل مسائل آماده کند. با این تعریف عام از کتاب‌های اطلاعاتی، شاید برای ما این سؤال پیش بیاید که پس علم چیست؟ و چه تعریفی می‌توان از کتاب‌های علمی داد.



آیا محتوای کتاب‌های علمی پایدار می‌ماند و یا منسوخ می‌شود؟ نقش کتاب‌های علمی در میان دیگر کتاب‌های کودکان و نوجوانان چیست؟ کتاب‌های علمی را این طور تعریف می‌کنند: کتاب‌هایی هستند که کودکان و نوجوانان را با جهان و تفکر علمی آشنا می‌کنند و دید علمی آنها را گسترش می‌دهند. هدف از تدوین این کتاب‌ها، تقویت قدرت مشاهده دقیق و روحیه جست‌وجوگری در کودک و نوجوان است.

هم‌چنین، شناخت علمی از طبیعت و پدیده‌های آن، از دیگر اهداف این کتابهاست. کودک و نوجوان را با علم، به عنوان میراث عظیم فکر و کار انسان که در مالکیت فرد یا قوم و یا ملت خاصی نیست، آشنا می‌کنند و احترام گذاشتن به آن میراث را به او می‌آموزند. کودک و نوجوان را از کاربرد سازنده و مخربی که علم و تکنولوژی می‌تواند در زندگی داشته باشد، آگاه می‌کنند و به او می‌آموزند که علم و تکنولوژی می‌تواند در زندگی



داشته باشد، آگاه می‌کنند و به او می‌آموزند که علم پدیده‌ای است اجتماعی و نه مجرد. در همین مقوله، به کیفیت محتوایی این کتاب‌ها این طور اشاره می‌شود: باید با آخرین کشفیات علمی منطبق باشد. اگر معلومات پایه را در اختیار خواننده می‌گذارد، با قدرت فهم و حیطه علاقه‌مندی گروه سنی او مناسبت داشته باشد. از مطالب علمی برای اثبات نظریه‌های غیرعلمی استفاده نکنند با نیازهای زمان و مکان خواننده منطبق باشد. درباره کیفیت ساختاری کتاب‌های علمی، می‌توان به این نکات اشاره کرد:

در ارائه مطالب، از روش علمی استفاده کند و آزمایش‌های علمی ارائه دهد. و زمینه‌ای برای کشف و جست‌وجو باشد، نه سرگرمی صرف، به عبارتی، پاسخ‌ها را ندهد، بلکه انگیزه ایجاد بکند برای کشف و جست‌وجو. آزمایش‌های علمی مطرح شده، از نظر ایمنی باید تضمین شده باشند و مواد مورد نیاز برای آزمایش، به گونه‌ای باشد که در اختیار اکثر کودکان و نوجوانان قرار بگیرد. دستورالعمل‌ها مرحله به مرحله و حتی‌الامکان با تصویر همراه باشد.

کتاب‌های علمی همانند دیگر انواع کتاب‌های کودک و نوجوان، باید زبان و بیان مناسبی داشته باشند؛ یعنی زبان علمی و در عین حال، قابل فهم خواننده باشد. هم‌چنین، لازم است مطالب را بیش از اندازه ساده نکند تا باعث برداشت‌های نادرست نشود.

تصویر در کتاب‌های علمی باید از کیفیت و طبیعت آن کتاب‌ها پیروی کند؛ یعنی از تصویرهای غیرواقعی، از جمله تصویرهای عروسکی و کارتونی، در جایی که زندگی گیاهان جانوران و انسان مطرح است، استفاده نکند. در مبحث تفکر تحلیلی درباره کتاب‌های اطلاعاتی، در کتاب «از روزن چشم کودک»، واکنش‌های کودک نسبت به آنها چنین طرح شده است: آیا کتاب‌ها این فرصت را به کودکان می‌دهند که به شکلی منطقی درگیر حل مسائل بشوند؟ بسیاری از کتاب‌های اطلاعاتی، به خصوص کتاب‌های علمی، باید کودکان را به مشاهده جمع‌آوری اطلاعات، آزمایش، مقایسه و تنظیم فرضیه تشویق کنند. کتاب‌های اطلاعاتی باید کودکان را به پرهیز از قضاوت تا مرحله جمع‌آوری یا کشف حقایق کافی ترغیب کنند.

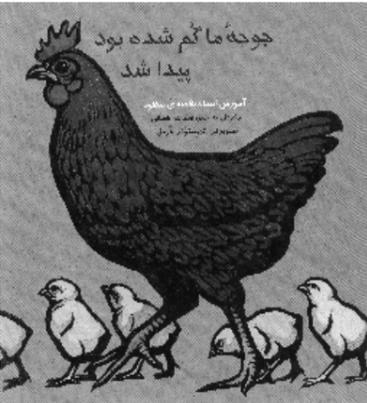
کتاب‌هایی که واقعیت‌های علمی را نشان می‌دهند، باید کودکان را به آزمایش‌های شخصی بیشتر و تأکید بر ارزش استفاده از مطالعات قبلی خودشان برانگیزند. به عنوان مثال، از کتاب «سیما و سیمون» یاد می‌کند که از مجموعه کتاب‌های «بیابید کشف کنیم» هست. در خانه خود یک اقیانوس‌شناس شوید. نوشته‌های خوب علمی،

هم چنین باید کودکان را تشویق کنند. تا با دنیای خود درگیر شوند. پاتریشیا لابر، نویسنده کتاب‌های علمی می‌گوید که بهترین نوع کتاب‌های علمی، مانند دیگر انواع ادبیات، دیدگاه دارند و باید خوانندگان را وادارند تا برای مردم، حیوانات، یک عمارت و یک عقیده و بالاتر از همه این‌ها برای چگونگی رخدادها اهمیت قایل شوند. ولی در ادامه صحبتش، هدف خود را از تدوین کتاب‌های علمی برای کودکان، این طور بیان می‌کند: هدف من کمک به کودکان در فهم چگونگی طرز کار زمین و یا بخش‌هایی از آن تلاش برای غنی کردن ذهنیات کودکان یا بخشی از درک خودم از شگفتی است...

اما در مورد کتاب‌های پاتریشیا لابر، تحلیل‌گری به اسم نورتون، چنین می‌گوید: خواندن این کتاب‌ها، کودکان را به سرنوشت کره زمین علاقه‌مند می‌کند. این علاقه می‌تواند پیوندی مؤثر بین کودک و کره زمین ایجاد بکند و سبب شود که کودک، خود را از آن زمین بداند و نه زمین را از آن خود.

تنها در این صورت است که نسبت به زمین احساس شگفت زدگی می‌کند و واکنش نشان می‌دهد. به این ترتیب، کودک در حفظ زمین می‌کوشد و همواره حس کنجکاوی او در کشف لایه‌ها و راز و رمزهای آن تشدید می‌شود... در این جا شاید بتوان گفت که علم، دانستی‌های مثبتی است که تحت قواعد و اصول معین در آمده است. علم، انعکاس طبیعت است در اندیشه و ذهن آدمی، تا اواخر قرن نوزدهم، علم خالص یا نظری، جدا از علم عملی یا تکنولوژیکی بود و قرن بیستم ناظر بر ترکیب علم عملی و تکنولوژیکی است و تأثیر شگرف تئوری، راهگشای این دو است. باوجود این جای تأسف دارد که کودک تحت تأثیر بمباران اطلاعاتی، به این اطمینان رسیده که همه چیز می‌داند و توانایی ذاتی برای کنجکاوی و شگفت‌زدگی، از وجود او رخت بر بسته. این اتفاقی است که بمباران اطلاعاتی در کودک امروز ایجاد کرده، خطری است بزرگ که آینده بشریت را تهدید می‌کند.

امروزه به جای تشویق و تقویت حس پرسشگری در کودکان، آدم بزرگ‌های بیگانه با کودک درون، در ارائه جواب‌های آماده به او عجله می‌کنند. جواب‌ها را مطابق ذهن کودکانه فراهم می‌آورند و کنجکاوی او را نشکفته نگه می‌دارند. این روند می‌تواند کودک را نسبت به همه چیز بی‌تفاوت کند. احساسی که تنها برای تلاش‌های خلاق که برای کل زندگی بسیار ضرر دارد و خطرآفرین است. میخائیل پیشتن، نویسنده‌ای است با بینش ژرف. او در یادداشت‌های روزانه چهل سالگی خود، با نگرانی در مورد همین موضوع، چنین می‌نویسد: ظرفیت احساس شگفتی در دنیا



در حال نابودی است. تعجب و شگفتی ما از هواپیما و رادیو و تلویزیون مدت زیادی طول نمی‌کشد. و می‌توان از پیش گفت که پرواز به سیارات دیگر، به اندازه‌ای که هنگام تجربه فکری ما را خوشحال می‌کرد، حالا خوشحال‌مان نمی‌کند...

احساس شگفتی، با کودکی آدمی پیوسته است، در حالی که بزرگسالان امروزی، خیلی زود از دوران کودکی خود جدا می‌شوند. کودک نیازمند آن است که با محیط طبیعی زیست و این که این محیط تابع ضابطه‌های منظم و اصول خاصی است، آشنا شود و بداند که همواره موارد استثنایی و کشف نشده‌ای وجود دارد که ممکن است بعضی از این قوانین و مقررات را که سازنده این اصول هستند، نقض کنند. سوفیا میلنسکی، مربی تعلیم و تربیت روسی، در کتاب تعلیم و تربیت علم برای همگان، نخستین درس‌های خود با بچه‌ها را در دو یا سه سالگی آنها و در دوره پیش دبستان، با بردن کودکان به باغ، مزرعه و کنار رودخانه و جنگل آغاز می‌کند. او به آنها یاد می‌دهد که ببینند، گوش فرا دهند، ببینند، حس و مشاهده کنند، حیرت زده و یا خوشحال شوند و سرانجام، کتاب بخوانند تا به افرادی کنجکاو بدل شوند. مطالعه، عدم هویت کودک را جبران می‌کند و او را به سوی شناخت واقعیت و فراتر از آن می‌کشاند. مطالعه آثار ادبی،



فعالیت‌هایی را که منتهی به آزادی اندیشه می‌شود، رشد می‌دهد و کودک و نوجوان را در فرآیند اندیشه‌سازی قرار می‌دهد. دونو نورتون، در مبحث رشد و پرورش شناختی، ادبیات کودک را به ویژه برای تکمیل و رشد فعالیت‌هایی که با تفکر همراه می‌شوند، مؤثر می‌داند.

از انواع ادبیات کودک، ادبیات اطلاعاتی است که از آن نام بردیم. ضمن این که ادبیات اطلاعاتی هم می‌تواند هویت داستانی داشته باشد. این فعالیت‌ها را نورتون به هشت مقوله مشاهده، مقایسه، طبقه‌بندی، فرضیه‌سازی، سازمان‌دهی، جمع‌بندی، بهره‌گیری و ارزشیابی و انتقاد تقسیم می‌کند و بدیهی است که تکوین این ویژگی‌ها به کمک کتاب‌های اطلاعاتی، به خصوص از نوع علمی آن، مؤثرتر اتفاق می‌افتد و اندیشه‌سازتر خواهد بود. تداوم حیات بشری، به حفظ دنیای کودکی و ویژگی‌های آن وابسته است. امروزه تکنولوژی رسانه‌ای، کودکی انسان را مورد تهدید قرار داده و زوال کودکی را رقم زده است. تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد و بشریت را خصلت ماشینی می‌بخشد. تنها راه نجات، خلق آثار ادبی با کیفیت، در انواع مختلف آن که نام بردیم و فراهم آوردن فضای مطالعه و تفکر در کودکان و نوجوانان است. البته چنین دستاوردی آن گاه میسر است که کودک و نوجوان، در زمان خود، یعنی امروز شناخته شود و نوسازی و دگرگونی آموزش و پرورش، بر این اساس صورت بپذیرد. ادوارد کلاپارت، روان‌شناس برجسته سوئیسی، با انتشار اثر معروفش «روان‌شناسی کودک و آموزش و پرورش تجربی» در دهه اول قرن گذشته، بیش از هر مربی دیگری بر این ضرورت تکیه می‌کند که برای بحث‌های نظری و تطبیقی بین روش‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها باید به تجربه علمی پرداخت و نوسازی دگرگونی آموزش و پرورش را براساس داده‌های علمی و تجربی انجام داد. او می‌گوید: آموزش و پرورش هم باید مانند فن و هنر پرورش گل که بر علم گیاه‌شناسی مبتنی است، بر شناخت کودک استوار باشد...

این حقیقتی است بدیهی، اما اغلب مربیان و معلمان و تقریباً همه مسؤولان و تصمیم‌گیران آموزشی ما گویی نسبت به این حقیقت بیگانه هستند. عصر ما عصر تفکر و برداشت علمی در برابر فرآیند تربیت نام دارد این عصر، عصر انتقادهای بنیادی به نقش مدرسه و نظام آموزشی است. عصر تردیدها نسبت به رسالت مدرسه و به تعبیر اریک فروم، عصر شک ریشه‌دار، عصر رهایی از اندیشه تب‌سازانه است. عصری است که در آن، اندیشمندی چون ایوان ایلویچ، مدرسه را به سبب این که باعث پایدار شدن و نهادینه ساختن نابرابری‌های اجتماعی می‌شود، نهادی ضروری

نمی‌داند و آرزوی جامعه بدون مدرسه را دارد. تهیه و نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان، متأثر از وضعیت آموزشی و پرورشی در کشور است. در کشورهایی که آموزش و پرورش بحران ساز و سنتی بر آن حاکم است، فضای آفرینش و تألیف و ترجمه و نشر کتاب هم بحران زده می‌شود. آن چه به بازار می‌آید، با ویژگی‌های مخاطب پرسشگر آن فاصله بسیار دارد.

من به وضعیت کتاب‌های علمی در ایران اشاره نکردم. علتش این است که نرسیدم، ولی فکر کردم که دو نمونه از بهترین کتاب‌های علمی و پنج ساله گذشته را که براساس این ضوابط ارزیابی شدند، بیاورم و در اختیار دوستان قرار بدهیم و در واقع، قضاوت را به عهده دوستان بگذارم که ببینند این کتاب‌ها تا چه حد می‌توانند پاسخگوی نیازهای کودک و نوجوان امروز این سرزمین باشند. علاوه بر این که کتاب خوب اندک است، از نظر کیفیت نیز بسیار تأثر آوردند. تألیف، در مقابل ترجمه، تقریباً ناچیز است و تألیف کتاب علمی خیلی کم صورت می‌گیرد.

من مخاطب بیست و چند میلیونی را مدنظر دارم و مایلم نظردوستان را هم در مورد این کتاب‌ها که به عنوان بهترین کتاب‌های علمی در سال ۷۵ تا ۷۹ شناخته شدند، بدانم.

حجوانی: خیلی ممنون از این که مطالب‌تان را شسته رفته و مرتب ارائه دادید. چیزی که کم‌تر با آن برخورد می‌کنیم. حتی اساتیدی که دانش بالایی دارند، اغلب، دانسته‌هایشان را به شکل مرتب و کلاسه شده عرضه نمی‌کنند. شیوه خانم راعی، از این نظر مثال‌زدنی است. این کتاب‌ها را به ما بدهید که عکس بگیریم و در کنار سخنرانی‌تان در کتاب ماه معرفی کنیم. معرفی تصویری که بکنیم خود به خود در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. می‌خواستیم پرسش چه ویژگی‌هایی در این دو کتاب دیدید که آنها را انتخاب کردید؟

راعی: حقیقتاً من انتخاب نکردم. من کتاب‌هایی را که انتخاب شده بود، خدمت‌تان آوردم و راجع به آن هم صحبت دارم. این دو کتاب در سال ۷۵ انتشار یافته‌اند و به عنوان بهترین کتاب، در شورای کتاب کودک، شناخته شده‌اند.

یکی از این دو کتاب، نامش «اردک کوچولو» است. همان طور که گفتم، برای کتاب‌های اطلاعاتی تعریف داریم به نظر من، مترجم یا ناشر خواسته با چاپ این کتاب، نام و نانی کسب کند. شما ببینید آیا این کتاب علمی است یا کتاب زبان‌آموز محسوب می‌شود. البته، عکس‌های خوبی در این کتاب به چشم می‌خورد که بسیار تأثیرگذار و زیباست.

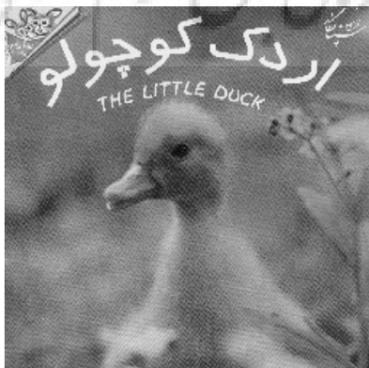
من در درس امروزم با دانشجویان، این کتاب را به آنها نشان دادم و همه گفتند که کتابی عالی



است. پرسیدم چرا؟ گفتند برای این که متن انگلیسی هم دارد. کارکرد و تأثیرگذاری را نمی‌بینید. من برای‌شان توضیح دادم که این کتاب از نظر من خارج از رده است و من این کتاب را هرگز به هیچ بچه‌ای هدیه نمی‌کنم؛ چون نه زبان آموز است و نه کتاب علمی - اطلاعاتی محسوب می‌شود، مخدوش است. در عین این که محتوا، کیفیت، کاغذ و همه این‌ها خوب است، مترجم یا ناشر آمده فضای تصاویر را کم کرده و اختصاص داده به معادل انگلیسی. ما که تعهد نداده‌ایم همراه هر کتابی، درس زبان هم به خواننده بدهیم. شرایط آموزش، شرایط دیگری دارد. از این قبیل مسائل زیاد است و من ضعف تألیف، ضعف گزینش، ترجمه خوب، به خصوص در حوزه کتاب‌های علمی - اطلاعاتی و ضعف ناشر را متأثر از شرایط تعلیم و تربیتی محیط می‌بینم که آن حساسیت‌ها را ایجاد نمی‌کند و شناخت نمی‌دهد. این دلیل آن است که ناشر محترم، از کودک و نوجوان شناخت ندارد. نمی‌داند که شأن نزول این کتاب چه بوده که آمده تکیه‌های انگلیسی گذاشته...

حجوانی: می‌خواهم سؤال کنم که اگر ناشر، متن انگلیسی را نمی‌آورد، باز شما...؟
راعی: خیر. در این صورت کتاب بسیار خوبی بود.

حجوانی: یعنی ترجمه فارسی‌اش الان



شکل مخدوش پیدا کرده و اگر ترجمه روان و خوبی می‌شد، بهترین کتاب بود؟

راعی: بله. نمی‌شود چندگانه کار کرد. این همه کتاب انگلیسی هست. چه نیازی است که در یک کتاب علمی و اطلاعاتی، آموزش زبان بدهیم؟ برای من تعجب‌آور است که این کتاب، جزو بهترین کتاب‌هایی است که شورای کتاب کودک، براساس معیارهای خودش انتخاب کرده. این کتاب جایگاهش مشخص نیست. نه می‌توانید بگویید کتاب زبان‌آموز است، چرا که زبان‌آموزی و آموزش زبان شرایطی ویژه دارد و نه می‌توانید بگویید کتاب علمی - اطلاعاتی است.

حجوانی: همه این‌ها را شورای کتاب کودک انتخاب کرده؟

راعی: بله. شورای کتاب کودک مطابق با جدولی که من دارم، گروه بررسی دارد. گروه بررسی، بدنه اصلی شورای کتاب کودک است که وضعیت نشر را سالانه بررسی می‌کند.

بکایی: تشکر می‌کنم از خانم راعی، برای صحبت‌های خوب‌شان. آیا دوستان می‌خواهند راجع به این کتاب صحبت کنند یا راجع به صحبت‌های خانم راعی؟

حجوانی: من فکر می‌کنم این سنت خیلی خوبی است که از این به بعد، هرکدام از دوستان که می‌خواهند مبحثی را مطرح بکنند، نمونه‌ای از کتاب‌هایی را که در این سال‌ها از طرف یک گروه کارشناس مطرح شده، با خودشان بیاورند و نظرشان را در مورد این انتخاب بگویند و یا اگر خودشان تجربه خاصی در این زمینه دارند، نمونه کتاب‌هایی را بیاورند و این کتاب‌ها معرفی شود. بهتر است مباحث تئوریک که مطرح می‌کنیم، با مصادیق عینی همراه باشد و روی جریان نشر و تولید کتاب‌های علمی برای کودکان و نوجوانان ما تأثیر بگذارد. ممکن است ناشر یا مترجم محترمی که در مورد کتابش صحبتی می‌شود، استقبال بکند و توضیحی داشته باشد. این می‌تواند در ادامه کارش تأثیر مثبت بگذارد. این است که اجازه می‌خواهم راجع به این کتاب‌ها، اگر دوستان موافق باشند، خانم راعی توضیح مختصری بدهند.

عمیق: با نفس این کار، تا حدودی موافقم، ولی درصد بالایی هم مخالفم. تشکر می‌کنم از سخنان خانم راعی که البته، بیشتر در مورد کتاب‌های آموزشی بود. ما دفعه پیش هم صحبت کردیم و بیشتر بحث‌ها جنبه تئوری داشت که اگر روی آیتم‌های خاصی متمرکز می‌شد، یک مقدار بهتر بود. برای این که ما می‌دانیم کتاب‌های علمی، دنیای کودکان را وسعت می‌دهد. هدف این است که بحث‌های ما جنبه کاربردی داشته باشد. ما ممکن است بگوییم که کتاب‌های علمی، به این دسته‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند. مثلاً دوره به دوره،

در مورد ریاضی، خانم راعی تعریف دادند که ممنون هستیم. به هر حال، می‌دانیم تعریف‌های هر کدام چیست. کتاب زیست‌شناسی، درباره بدن انسان یا از جانوران صحبت می‌کند. بنابراین، بهتر است درباره وضعیت کتاب‌های علمی در ایران بحث کنیم. در مورد ایرادهایی که کتاب‌های علمی دارند، بحث شود. من احساس می‌کنم جلسات این جور باشد، بهتر است. در مورد کتاب هم بهتر است کتاب‌هایی را که خودم دوست دارم، بیاورم و راجع به آنها صحبت کنم و بگویم به این دلیل، این کتاب را می‌پسندم و این فواید را دارد. یا برعکس، کتابی بیاورم و بگویم این ایرادها را دارد و دلایلیش را نیز بشکافم.

در واقع، نفس کار یکی است. حالا خانم راعی می‌توانند خودشان انتخاب کنند و ببینند راجع به آن کتاب صحبت کنند. لازم نیست این کتاب از طرف نهادی برگزیده شده باشد. فرض کنید راجع به همین قضیه آموزش شمارش اعداد، کتابی هست با بهترین تصویرگری که در محافل بین‌المللی هم تصویرگری آن جایزه گرفت. این کتاب، خیلی زیبا و آهنگین، حروف الفبا را آموزش می‌دهد. من می‌آورم معرفی می‌کنم و می‌گویم به این دلیل خوب است. تصویرگری‌اش خوب است، واژه‌گانش مناسب است. اصلاً نیازی به این نیست که حتماً این کتاب را نشریه‌ای، نهادی یا شورایی تأیید کرده باشد. بعضی کارها را نقد کنیم و باید از طرف خودمان حرف بزنیم.

حجوانی: بله، خانم راعی هم از طرف خودشان صحبت می‌کنند. بحث ایشان صرفاً معرفی کتاب بود و از آن انتخاب هم دفاع می‌کردند. اگر گفتند این کتاب را فلان نهاد انتخاب کرده، برای اطلاع خوانندگان کتاب ماه بود. در عین حال، دیدگاه‌های خودشان را هم در مورد این کتاب گفتند و ما هم دنبال همین نظرهای خاص هستیم. کسی که صحبت می‌کند، باید سلیقه و نظر شخصی‌اش را بگوید تأثیر بگذارد بر خواننده. این شکل به قول شما پراکتیکال یا علمی، کاملاً مورد نظر ماست. هرچقدر بین بحث‌های تئوری و نمونه‌های عملی تلفیق ایجاد کنیم، سودمندتر است. پس، بار دیگر از خانم راعی خواهش می‌کنم در مورد این کتاب‌ها توضیحات بیشتری بدهند.

راعی: ببینید، کودک و نوجوان ما به انواع کتاب، خارج از حیطه آموزش رسمی، نیازمند است؛ یعنی به کتاب علمی - اطلاعاتی. در رده کتاب‌های اطلاعاتی، انواع گوناگون کتاب می‌گنجد، مثلاً کتاب‌های دینی، آگاهی‌هایی در زمینه امور دینی به مخاطبان‌شان می‌دهد. هم چنان که در حوزه زندگی‌نامه در حوزه دانش اجتماعی، در حوزه علم و هر کدام از این‌ها، نکته دیگری که باید خدمت‌تان عرض کنم، واقعیت تلخی است که من به آن

اشاره کردم. ما درخور نسل جوان پرسشگر امروزمان کتاب نداریم، واقعاً. یعنی کم است. هدفم این است که به عنوان بهترین کتاب‌ها این‌ها را داریم. مثلاً «مردی که می‌شمرد»، از کتاب‌های بسیار بسیار جذاب است و این جا من مقدمه‌اش را می‌خوانم. می‌گوید:

به یاد هفت هندسه دان دکارت، پاسکال، نیوتن، لایپ نتیز، اولر، لادوانش و کمیتز. خداوند آنها را قرین رحمت کند و به یاد ریاضی دان، ستاره‌شناس و فیلسوف مسلمان ایرانی، ابوجعفر محمدبن موسی خوارزمی. خداوند او را در بهشت جای دهد و به یاد همه کسانی که علم اوزان، مقیاس‌ها، اعداد، اندازه‌ها و قوانین طبیعت را می‌آموزند و یاد می‌دهند. من، مال با تاهان، معتقد به خدا و رسولش محمد (ص)، این داستان‌ها و افسانه‌ها را نوشتم. بغداد، نوزدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۳۱ هـ . ق.

نشر این کتاب، یعنی نشر ترجمه آن بسیار بسیار زیباست. این کتاب خیلی ارزشمند است، ولی باید ببینیم چه اشکالی دارد. باید از چند بُعد نگاه کنیم. یکی نویسنده است که در آفرینش اثر دخالت دارد. یکی تصویرگر است، یکی مترجم و یکی ناشر. ببینید، چه کیفیت ضعیفی ناشر برای آن در نظر گرفته در حالی که این کتاب، اگر کیفیت جالبی می‌داشت و دقت و هزینه بیشتری صرف آن می‌شد، می‌توانست کتاب بی‌نقصی باشد. کتاب دیگر، یعنی «ماجرای سفر شگفت‌انگیز ساندویچ خیار»، ماجرای است که بچه‌ها دوست دارند و از این جور داستان‌های تخیلی علمی استقبال می‌کنند. ولی هیچ یک از این کتاب‌ها در اوج نیستند و نمی‌توانند جوابگوی نیاز ما باشند. اولاً اکثراً در نشر ترجمه، اشکال دارند، در صفحه آرابی اشکال دارند. کتابی



هست از مجموعه «آب‌ها» که جزو کتاب‌های تألیفی خوب محسوب می‌شود، ولی به هر حال، اثر ناب نیست. ما در مورد کتاب‌های علمی و تصاویری که برایش به کار می‌رود، حرف داریم. البته، من تعظیم می‌کنم به هنر و تجربه آقای زرین‌کلک. منتهی حرف‌هایی داریم و در گروه‌های بررسی هم گفته می‌شود و فکر می‌کنم هر کتاب‌شناسی، منتقد کتابی، همین‌طور عمل می‌کند. مثلاً در کتاب «خانه بزرگ ما سیاره آبی و زیبا»، به اصل کتاب وفادار نبوده‌اند و جای تصاویر را عوض کرده‌اند. یا مثلاً «اسرار طبیعت»، این هم جزو کتاب‌های خوب است، منتهی شیوه ارائه و فصل‌بندی آن را شما نگاه کنید. این بچه را گیج می‌کند. یک مقدار برایش خسته‌کننده می‌شود. عقیده من این است که در ترجمه آثار نباید دخل و تصرف کرد. مترجم باید چند ویژگی داشته باشد. اول اصل، امانت‌داری است. دیگر این که باید اثری را انتخاب کند که به نیاز کودکان ما جواب بدهد و ما در بین کتاب‌های خودمان نداشته باشیم.

ویژگی دیگرش این است که مسلط باشد به هر دو زبان و دقیقاً بتواند منتقل بکند. من به دخل و تصرف در متن و منظوم کردن یا شعر گذاشتن اعتقادی ندارم. مثلاً کتاب تصویری، خودش حکمتی دارد و درست نیست که در آن دخل و تصرف کنیم. مثلاً متن بگذاریم یا بعضی از تصاویرش را حذف کنیم. از کتاب‌های خوب دیگر، می‌توانم به «کوسه‌ها و انسان‌ها» و «روایای دایناسور» اشاره کنم که باز مورد توجه بچه‌های ماست. اگر اهل مطالعه باشند و فرصت مطالعه پیدا بکنند. در هر حال، کتاب‌های خوب و خواندنی، هم کودکان را جذب می‌کنند و هم بزرگ‌ترها را. این کتاب‌ها همیشه برایم تازگی دارد و تکراری نیست. سرکلاس، با دانشجویان، همیشه این فرصت را به دست می‌آورم که لایه‌های جدیدی در یک اثر هنری خوب، کشف کنم.

بکایی: اگر بخواهیم در حوزه علم حرکت کنیم، طبعاً باید این تعاریف خیلی دقیق‌تر باشد. البته سؤال‌اتی که من می‌کنم، شاید به سبب مشکلات ارایه شفاهی مطلب باشد! یکی این که شما گفتید کتاب‌های علمی - اطلاعاتی. من می‌خواهم دقیقاً تعریف مشخص شما را از کتاب‌های علمی و کتاب‌های اطلاعاتی بدانم. این سؤال نخست من بود. شما چند بار اصطلاح اثر ناب را به کار بردید. دلم می‌خواهد که شما حدود و ثغور اثر ناب علمی را مشخص کنید.

راعی: عرض کردم ما وقتی می‌گوییم کتاب علمی یا کتاب ریاضی، طبیعت آموزشی پیدا می‌کند؛ یعنی Textbook می‌شود. کتاب‌های این فورمیستال کتاب‌هایی هستند که اطلاعاتی را در حد ظرفیت، برای ارضای حس کنجکاوی، گذران

اوقات فراغت، میل به دانستن، ایجاد پیوند و شناخت، به مخاطبان می‌دهند. این کتاب‌ها می‌توانند موضوع‌های گوناگون داشته باشند.

یک کتاب به طبیعت می‌پردازد، یکی به تکنولوژی، دیگری ماشین‌ها را مطرح می‌کند و یکی دیگر فضا را می‌شناساند. اطلاعاتی می‌دهد که مستند به علم است و باید دقیق باشد. این اصطلاح کتاب‌های اطلاعاتی، چیزی است که در حوزه ادبیات کودکان در دنیا جا افتاده. در مورد لفظ نابی که شاید نه به درستی، بلکه برحسب عادت عرض کردم، حرفی ندارم. من از هرم ارزشی گفتم. در این هرم، انواع کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آیند، جای خاص دارند. براساس آن تعریفی که خدمت‌تان ارائه دادم، آن‌هایی که در رأس هرم قرار می‌گیرند، ما اسمش را می‌گذاریم ادبیات که شامل مجموعه‌های دیگر انواع کتاب‌های اطلاعاتی هم می‌شود. اما آن کتابی که در رأس این هرم قرار دارد و من با عنوان ناب از آن یاد می‌کنم، اثری است برگزیده که تجربه‌ای ناب، حادثه‌ای ویژه، پدیده‌ای خاص و بکر محسوب می‌شود و تکراری نیست. چنین کتابی به شیوه‌ای دلنشین و درخور ساختار ادبی، ارائه می‌شود و همه جوانب آن نو و تازه است. اصطلاح برگزیده یا «سلکتیو» را هم برای آن به کار می‌بریم.

بکایی: کتاب تاریخ را علمی می‌دانید یا اطلاعاتی؟

راعی: کتاب تاریخ، اطلاعاتی است. البته، کتاب‌های اطلاعاتی ضوابطی دارند که من ضوابطش را عرض کردم. در این صورت، تاریخ هم باید برپایه مستندات باشد و جابه‌جایی و دخل و تصرف در آن شده. این اطلاعات تاریخی باید به شیوه‌ای دلنشین و زیبا بیان شود تا توجه و علاقه مخاطب را به تاریخ برانگیزد. دانش اجتماعی هم همین طور است، زندگی‌نامه هم همین طور. این‌ها اطلاعاتی هستند.

من یک تعریف کلی از کتاب‌های اطلاعاتی خدمت‌تان دادم. ویژگی محتوایی آن را گفتم و به ویژگی ساختاری‌اش هم اشاره کردم. بعد آمدم به طور خاص، به شاخه علمی‌اش پرداختم. شما به سمت دانش اجتماعی بروید، تعریف خودش را دارد، تاریخ تعریف خودش را دارد و همه این‌ها قابل این هستند که اگر با کیفیت باشند، در رأس این هرم ارزشی قرار بگیرند. اگر تأثیر عاطفی و زیبایی‌شناختی نداشته باشند و ویژگی‌های دیگری را که عرض کردم، جزو شبه ادبیات می‌شوند و خارج از فهرست توصیه شده قرار می‌گیرند.

بکایی: بنابراین، کتاب علمی و اطلاعاتی نمی‌تواند در رأس هرم ارزشی شما قرار بگیرد. به دلیل، این که شما گفتید ادبیات با هدف مشخص نوشته نمی‌شود و شخصیت‌ها در اختیار نویسنده



نیستند و واکنش خودشان را خودشان تعیین می‌کنند. در صورتی که در یک کتاب علمی - اطلاعاتی، طبعاً چنین چیزی موجود نیست. کتاب حتماً هدفمند است. نویسنده، هدف نهایی را ابتدا در نظر می‌گیرد. شخصیت‌هایی که انتخاب می‌شود، بسیار محدود است و حرکت شخصیت‌ها، حداکثر نمادین است و اصلاً آن نوع خلاقیتی که آن جا هست، این جا دیده نمی‌شود.

راعی: البته، هست. من الان در حافظه‌ام نیست. نمی‌توانم بگویم اتفاق نمی‌افتد، اتفاق می‌افتد، ولی تعدادش بسیار کم است.

عمیق: اگر شما در تقسیم‌بندی‌تان، از اصطلاح «ادبیات آگاه‌ساز» که خودم آن را ابداع کرده‌ام، استفاده می‌کردید، شاید بحث مخدوش نمی‌شد. علوم و «ساینس بوک» که برمی‌گردد به ریاضی، زیست‌شناسی، فیزیولوژی و نظایر آن، زیرمجموعه‌ای دارد به نام ادبیات آگاه‌ساز. در این صورت، آقای بکایی هم شاید این سؤال را از شما نمی‌کردند.

راعی: این اصطلاحی است که بسیار به دل من نشست و حتماً استفاده می‌کنم. البته، اصطلاح کتاب‌های اطلاعاتی هم زیاد دور نیست.

عمیق: حتماً ادبیات هم باید اضافه کنید. راعی: بله، چون به مجموعه این‌ها می‌گویم ادبیات. یک تعریف عام برای ادبیات داریم و یک تعریف خاص که این یکی در رأس هرم ارزشی قرار می‌گیرد.

بکایی: در واقع شما یک تعریف دارید به عنوان ادبیات خلاقه که اسمش را می‌گذاریم داستان و یک ادبیات آگاه‌ساز.

عمیق: آن را من در دل این ادبیات قرار می‌دهم.

بکایی: این ادبیات آگاه‌ساز، به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود. یک شاخه‌اش علمی است که مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما اگر برویم فرضاً راجع به زندگی ناصرالدین شاه حرف بزنیم، خیلی‌ها شک می‌کنند که ما حرف علمی می‌زنیم. این که می‌گویم ادبیات خلاقه و ادبیات آگاه‌ساز، باید ببینیم خود این ادبیات، چه بخشی از ادبیات را در برمی‌گیرد و چطور می‌تواند هر دو سو را شامل شود. منظور من بحث زبان است، بحث خلاقیت است و نکاتی نظیر این.

راعی: ادبیات آگاه‌ساز می‌تواند خلاقه هم باشد و در رأس هرم قرار بگیرد. گفتیم که در رأس هرم، ادبیات خلاقه است و وسطش کتاب‌های خواندنی و گفتیم که به هر دو نیاز داریم. این هرم ارزشی هم موقعیت کیفی هم کمی را نشان می‌دهد. کل این مجموعه را می‌گویم ادبیات. وقتی می‌گویم ادبیات خلاق، می‌تواند داستان، شعر و حتی ادبیات آگاه‌ساز را در بر بگیرد.

بکایی: ماهیت خلاقیت‌شان با هم فرق می‌کند.

راعی: به هر حال خلاقه است. بکایی: از ککوله می‌پرسند: چگونه فهمیدید که این مولکول‌ها حلقوی هستند؟ می‌گوید: من جلو شومینه اتاقم نشسته بودم که یک لحظه خوابم برد. در خواب تعدادی مار دیدم! یکی از این مارها، دم خودش را گاز گرفت. ناگهان بیدار شدم و گفتم که این‌ها حلقوی هستند. این هم خلاقیت است و در واقع، به او الهام شده. درست است که به نوعی از پاسخ فرار می‌کند، اما جوابی که داده، خیلی هم پرت نیست. عین همان حسی است که فرض می‌کنیم بالزاک، در رمان «چرم ساغری»، در برابر اتفاقات علمی عصر خودش بروز می‌دهد. آن هم خلاقیت است، ولی ماهیت آن خلاقیت، با این خلاقیت طبعاً فرق می‌کند. ادبیات خلاقه که من عرض کردم، با آن تعریفی بود که شما از ادبیات کردید. در حالی که این نوع خلاقیت، طبعاً تعریف دیگری دارد.

حکیمی: انگار من اشتباه کردم که به این جلسه آمدم. تصور می‌کردم راجع به ترجمه کتاب‌های علمی ویژه کودکان و نوجوانان بحث می‌شود. نقدی داشتیم بر برخی از دیکشنری‌هایی که هست. این‌ها غلط ترجمه کردند. من در این نقد اشاره کردم که هنوز تفکر علمی مطرح نشده است. کتابی دارم تحت عنوان «آموزش و پرورش خودکامگان» که به چاپ سوم رسیده. دو فصلش مربوط به آموزش و پرورش در شوروی عصر استالین است. آن جا توضیح دادم که استالین می‌گفت، باید تفکر علمی بیاوریم. او نظریات «مندل» را قبول نداشت و می‌گفت که این نظریات بورژوازی است و قابل قبول نیست. شخصی را

هم آورد به نام لیسن کو، رئیس آکادمی علوم شوروی کرد. مدت ۳۷ سال هر اندیشمندی که گفت نظریات مندل درست است، گفتند تو تفکر علمی نداری و دیدگاهت درست نیست؛ چون پیشوا قبول ندارد!

تعداد زیادی از زیست‌شناسان یا تبعید شدند یا کنار زده شدند. لیسن کو که یک شیاد بود، متأسفانه ۳۷ سال تمام، به جای نظریات مندل، کتاب‌های درسی شوروی را از اندیشه‌های میکرولین انباشت. جالب است که او دوبار هم جایزه گرفت. یک بار در زمان استالین، جایزه لنین را به او دادند. و یک بار هم در زمان خورشچف تا این که در سال ۱۹۶۳ از کار برکنار شد. بعد از آن بود که زیست‌شناسان شوروی، اعلام کردند که نظریات مندل درست است. جالب این است که تمام این کارها تحت عنوان تفکر علمی انجام می‌شد. خلاصه این که چون فکر می‌کردم راجع به ترجمه کتاب‌های علمی بحث می‌شود. آن نقد مربوط به دیکشنری را با خودم آوردم که انشاءالله بماند برای بعد. از مطالب خانم راعی هم استفاده کردم.

حجوانی: جلسه بعد را اختصاص به بحث شما می‌دهیم.

حکیمی: خیر، نمی‌شود! به نظر من باید رأی بگیریم که راجع به چه چیزی بحث کنیم. عمیق: به نظر من اگر بنده راجع به فلان موضوع، متکلم وحده باشم و یک ساعت و نیم یا دو ساعت راجع به آن صحبت کنم و بقیه مستمع باشند، جلسه از آن حالت کاربردی خارج می‌شود. در این صورت، من می‌توانم یک مقاله بنویسم تا در کتاب ماه چاپ شود. بنابراین، می‌خواهم بحث به نوعی کاربردی باشد. مثلاً آقای حکیمی، راجع به یک سری کتاب‌ها ایراداتی دارند که می‌گویند و این می‌تواند گام مثبتی در راه نقد کتاب باشد و یا آقای ملک تفاضی راجع به یک قضیه دیگر بحث می‌کنند و بنده درباره مشکلات تصویرگری کتاب و... خب، وقتی این صحبت‌ها در کتاب ماه منعکس می‌شود، بالاخره مجموعه‌ای از نظریات راجع به وضعیت کتاب است. این طوری به نظر من خیلی کاربردی‌تر است.

حجوانی: فکر نمی‌کنم صحبت‌های خانم راعی خارج از بحث بوده باشد.

عمیق: بله، من خیلی استفاده کردم. حجوانی: گفته‌های خانم راعی، بیشتر از ۴۰ دقیقه فکر نکنم وقت برده باشد و حجم صحبت‌هایی که دوستان کردند هم کم‌تر از این مقدار نبود. تعریف جلسه دقیقاً همین است. در هر حال، شما اگر صحبتی دارید، با کمال میل می‌شنویم.

ملک عباسی: حقیقتش، خیلی نمی‌دانستم که هدف جلسه چیست. تلفن خیلی کوتاهی آقای



بکایی داشتند صحبت کردیم با هم و آدرس و ساعت و... در هر صورت، آمدم و استفاده کردیم از فرمایشات سرکار خانم و آقایانی که صحبت کردند. احیاناً اگر قرار باشد جلسات بعد هم خدمت دوستان باشیم، باید مقداری با آمادگی بیشتری به جلسه بیاییم.

حجوانی: سؤالی داشتیم از سرکار خانم راعی. شما در تعریف علمی بودن، از خود واژه علمی استفاده کردید و گفتید که کار علمی، چیزی است که دید علمی را گسترش می‌دهد.

راعی: یعنی دید روش‌مند مستندنگر را تقویت می‌کند.

حجوانی: منظور این است که هیچ چیز را با خودش نمی‌شود تعریف کرد. اگر بشود در تعریف علم، از عوامل دیگری بهره بگیرید به گمانم مشکل برطرف می‌شود. گفتید از شرایط متن علمی، این است که اگر پدیده‌ای را توضیح می‌دهد، معایب و بدی‌های احتمالی‌اش را هم عنوان کند.

راعی: بله. علم هم می‌تواند به بشر خدمت کند و هم خیانت.

حجوانی: یعنی اگر یک نفر بیاید اجزای یک تفنگ را آنالیز کند و بگوید که براساس کدام قواعد، وقتی ما ماشه را بچکانیم، تیر شلیک می‌شود و یا بردش چقدر است، باید در کنار این‌ها از این نکته هم حرف بزند که این وسیله می‌تواند برای قتل و جنایت هم به کار گرفته شود. در این صورت، فکر نمی‌کنید که ما مسایل اخلاقی و ارزشی را در تعریف علم وارد کرده‌ایم؟

راعی: فکر می‌کنم باتوجه به مخاطب‌مان، ناگزیر هستیم که این مسئله ارزشی را وارد کنیم. به گفته شما اگر اسلحه‌ای را معرفی می‌کنیم، هم باید کارکرد مثبتش را ببینیم و هم کارکرد منفی‌اش

را ذکر کنیم. اصولاً هنگام طرح مباحث علمی، باید مخاطب‌مان را به خوبی بشناسیم. شاید بشود از پدیده‌های طبیعی، بدون لحاظ کردن نکات ارزشی سخن گفت، ولی وقتی بحث اختراعات و ساخته‌های بشری مطرح است، نمی‌توان جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی را نادیده گرفت. من معتقد هستم که خیلی با احتیاط باید مطرح شود و فقط اطلاع‌رسان نباشد، بلکه تفکر برانگیز باشد و به طور غیرمستقیم، مخاطبش را هدایت کند که به انتخاب اصلح روی بیاورد و نه انتخاب مضر.

بکایی: فکر می‌کنم نکته‌ای که شما گرفتید، درست است. با این حساب، اگر کسی قصه‌ای بنویسد که در آن قصه، مضرات استفاده از بمب اتمی یا مضرات دینامیت مطرح شود، آیا هم چنان می‌توانیم بگوییم که این کتاب علمی است؟ به نظر من، این که کتابی علمی بیاید و ضد خودش عمل کند، بحث تازه‌ای است که با بحث محیط زیست و... حاصل شده. در واقع، ما باید دایره را مشخص کنیم. در دایره علوم تجربی می‌شود کتاب علمی نوشت که به نوعی به مضرات علم هم بپردازد.

راعی: خب، اگر پدیده‌ای (هرچند علمی) بر ضد بشر عمل کند، باید این را گفت. ما ابتدا اثری را مورد توجه قرار می‌دهیم که در جهت تحکیم بشریت و حفظ حرمت انسان‌ها باشد.

بکایی: این می‌تواند ادبیات هم باشد، می‌تواند شعر هم باشد.

راعی: معیار کلی ما این است که انسانی و در خدمت انسان باشد. این معیار را می‌توان هم در کتاب علمی جست‌وجو کرد، هم در علوم انسانی و هم در هنر.

بکایی: فکر می‌کنم اگر موضوعات را کمی جزئی‌تر بکنیم، بهتر باشد. بحث علمی و خیلی گسترده است و می‌تواند این اختلاف سلیقه‌ها را ایجاد بکند. در جلسات آینده، دوستان دیگری هم می‌آیند و می‌توانیم راجع به این موضوع هم حرف بزنیم.

حجوانی: خیلی خوب است. فقط من برای ارائه نمونه‌ها تأکید می‌کنم. خوشبختانه، مواردی که قرار است آقای حکیمی در جلسه آینده مطرح کنند، مسلماً با ذکر نمونه‌هاست. یعنی ایشان شاید بیش از دو دیکشنری بیآورند، موردی بحث کنند و استفاده کنیم.